

تدوین چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی تهران

بهرام مقتدر^۱، ایرج اعتصام^{۲*}، مهرداد متین^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. bahrammoghtader@yahoo.com
^{۲*} (نویسنده مسئول) استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ietessam@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mehrdadmatin@yahoo.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فضا، ایجاد فرصت‌های لازم در جهت تعاملات اجتماعی است. هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه در تعامل هستند، رابطه قوی‌تری با مکان و جامعه خود احساس می‌کنند. این تعامل نه تنها بر روحیات اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است بلکه موجب رشد و پیشرفت اقتصادی اجتماعات حاضر در آن فضاها می‌گردد. امروزه به فراخور شرایط اقتصادی و اجتماعی، فضاهای متفاوتی در راستای سکونت انسانی شکل گرفته است که شهرک‌های کارگری-صنعتی یکی از این مکانهاست. با توجه به تازگی و شاخصه‌های خاص این سبک از معماری، چگونگی تعاملات اجتماعی در آن‌ها یک مسئله است. در نواحی روستایی اطراف تهران نیز چنین شهرک‌هایی وجود دارد. این پژوهش بر آن است تا از طریق روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکردهای کمی و کیفی به بررسی وضعیت تعامل اجتماعی در شهرک‌های صنعتی اطراف تهران بپردازد و چگونگی ارتقای فضای تعامل در آن‌ها را بررسی کند. به همین جهت دو شهرک صنعتی «عباس‌آباد» و «پیشوا» از میان شهرک‌های صنعتی استان تهران انتخاب شدند. نمونه مورد مطالعه، قرار گرفت و پرسشنامه خبره براساس مدل ال‌ساعتی، تدوین و به متخصصان ارائه شد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهرک‌ها، طراحی مناسب به ویژه مسیرهای رفت و آمد کارکنان و کارمندان، وجود فعالیت‌های گردهمایی، فضاهای کانونی جهت تجمع مانند زمین بازی و یا غذاخوری‌ها، امکان حضور افراد در فضا و لحظاتی کنار هم بودن و ایجاد تجربه‌هایی مشترک را در شهرک‌های صنعتی چند برابر می‌کند و موجب ارتقا تعاملات اجتماعی و فرهنگی در شهرک‌های صنعتی می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تبیین چگونگی ارتقای تعاملات اجتماعی از طریق طراحی و بهسازی فضاهای عمومی در معماری شهرک‌های صنعتی.
۲. ارائه چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی تهران.

سؤالات پژوهش

۱. برای ارتقای تعاملات اجتماعی در شهرک‌های صنعتی چه راه‌کارهایی وجود دارد؟
۲. چه اقداماتی می‌توان برای ارتقای تعامل اجتماعی در فضای شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی تهران انجام داد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۹

دوره ۱۷

صفحه ۴۴۰ الی ۴۵۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

تعاملات اجتماعی، فضای کالبدی، شهرک صنعتی، نواحی روستای تهران.

ارجاع به این مقاله

مقتدر، بهرام، اعتصام، ایرج، متین، مهرداد. (۱۳۹۹). تدوین چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی استان تهران. هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۴۴۰-۴۵۰.

doi dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.211833.1111
www.SID.ir

مقدمه

در عصر حاضر حیات روستایی در مناطق مختلف جهان رکود نسبی را تجربه می‌کند. چشم‌انداز روستا و بخش کشاورزی که انطباق بیشتری با روحیات جمعیت روستایی دارد، زمینه‌های برتری خود را به نفع بخش‌های خدمات و صنعت از دست داده است. سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی جهان از ۳۶,۴ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۱۸,۵ درصد در سال ۲۰۰۶ به طور مداوم کاهش یافته است. ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی می‌تواند در تعدیل مشکلات و تأمین اشتغال و درآمد برای روستاییان بدون عوامل تولید بسیار مؤثر باشد. در حال حاضر تأمین اشتغال در نواحی روستایی از طریق بخش کشاورزی به دلیل کمبود عوامل تولید آب و خاک با مشکل روبرو است و این کمبود عامل مهاجرت‌های بی‌رویه از مناطق روستایی گردیده است. این در حالیست که توجه به توان روستایی صنایع، برای کارآیی محیط روستا بسیار مؤثر است. پس می‌توان گفت توسعه شهرک‌های صنعتی یک نیاز ضروری است. گستردگی فعالیت‌های این صنعت جدید جهانی در سه قلمرو اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی قابل تأمل است. شهرک‌های صنعتی می‌توانند آغا گر مسیرهای توسعه باشند. شهرک‌های صنعتی نیز از جمله مراکزی است که افراد زیادی را به دلایل اقتصادی در خود جای می‌دهد، اما این شهرک‌ها فاقد زمینه‌های مناسب برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی بین ساکنان و کارکنان هستند و به انسان تنها به عنوان بخشی از حلقه تولید نگاه می‌شود. در واقع، در شکل‌گیری تعاملات، دو بُعد وجود دارد. یکی تأثیری است که فضا بر مردم و دیگری تأثیری است که مردم بر امکان شکل‌گیری تعاملات می‌گذارند. به طور کلی، فعالیت‌های انسانی، فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری، در کیفیت بخشی به فضاها بسیار مؤثرند. فعالیت‌های ضروری، تحت هر شرایط و بدون توجه به کیفیت‌های محیط کالبدی رخ می‌دهد؛ زیرا، مردم ناچار به انجام آن‌ها هستند. از طرفی، فعالیت‌های اختیاری (اوقات فراغت)، به هنگام وجود شرایط اقلیمی، جذابیت و دعوت‌کنندگی محیط پیرامون به وقوع می‌پیوندند. دسته سوم، فعالیت‌ها یعنی فعالیت‌های اجتماعی، زمانی اتفاق می‌افتد که مردم در فضاهای همسانی تردد کنند. بین شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و معماری فضای شهرک صنعتی رابطه معناداری وجود دارد. باتوجه به نقش پررنگ تعاملات اجتماعی در رشد اقتصادی و فرهنگی جوامع، این سوال به وجود می‌آید که این امر در شهرک‌های صنعتی چگونه است؟ در مناطق روستایی تهران نیز شهرک‌های روستایی وجود دارد که بررسی مسئله تعاملات اجتماعی در دست‌یابی به الگویی جهت بهبود تعاملات اجتماعی با تکیه بر معماری مؤثر خواهد بود.

درباره موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. مقتدر، اعتصام و متین (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان «تدوین چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی» به این نتیجه دست یافته‌اند که هر چه فضاهای کالبدی شهرک‌های صنعتی از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی، در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره بیشتر فراهم می‌شود (مقتدر، اعتصام، متین، ۱۳۹۸: ۲۰). همچنین ایزدی و محمدی (۱۳۹۴) نیز در

تحقیق خود تحت عنوان «شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیتی فضاهای فرهنگی-اجتماعی» نشان داده‌اند که از میان چهار عامل (کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی)، عامل کالبدی ۶۵/۴۴ درصد از واریانس را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده اهمیت و ارزش این عامل در معماری فضا می‌باشد. این عامل با متغیرهایی همچون تنوع، سازگاری، مقیاس انسانی، خوانایی-یکپارچگی، ایمنی، زیبایی و سرزندگی و دسترسی، دارای همبستگی مثبت و بالایی است. عوامل اجتماعی که شامل عدالت، وضعیت اجتماعی-جمعیتی، هویت، مشارکت، احساس تعلق، امنیت، اوقات فراغت و کارایی می‌شود، تنها ۱۲/۳۳ واریانس را به دست آورده است (ایزدی و محمدی، ۱۳۹۴: ۳۰). سوزان کروه‌رست لنارد و هنری لنارد^۱ (۱۹۹۸) در مقاله «طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی» با استفاده از نظریه طراحی سنتی فضای شهری و تحلیل فضاهای شهری موفق در اروپا، توانسته اند اصولی را در مورد طراحی شهری که ارتقاءدهنده رفاه و زندگی اجتماعی است، استنتاج نمایند. تبریزی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی»، وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربری‌های تجاری، لابی، پیاده رو، و همچنین نحوه طراحی با در نظر گرفتن فضاهای عمومی و نیمه عمومی را سبب افزایش تعاملات اجتماعی در شهرها، محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌دانند (تبریزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵۷).

از آن‌جا که این پژوهش، قصد بررسی طراحی چارچوب و مدلی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در شهرک‌های صنعتی داشته است، بنابراین یکی از روش‌های کیفی را به عنوان روش پژوهش برگزید و به همین جهت دو شهرک صنعتی «عباس‌آباد» و «پیشوا» از میان شهرک‌های صنعتی استان تهران انتخاب شدند و چون نیاز به بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با معماری و تعاملات اجتماعی در شهرک‌های صنعتی بود، خبرگان و متخصصان در زمینه معماری به همراه تنی از مدیران و کارشناسان در دو شهرک مورد نظر، نمونه موردی این مطالعه قرار گرفتند و پرسشنامه خبره براساس مدل ال ساعتی، تدوین و به متخصصان ارائه شد. به منظور اندازه‌گیری وزندهی به شاخص‌های مؤثر در معماری شهرک صنعتی در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی فرهنگی استفاده شد. در آن با دادن ضریب ۱ تا ۹ به شرح (۱) اهمیت یکسان، ۳ اهمیت اندکی بیشتر، ۵ اهمیت بیشتر، ۷ اهمیت خیلی بیشتر، ۹ اهمیت مطلق) انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش تحلیل سلسله مراتبی و تحلیل عامل اکتشافی و برای پرسش‌نامه دوم از روش همبستگی در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

۱. تعامل اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن

تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است (رحیمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۶). همچنین، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲).

^۱ Suzanne Crowhurst Lennard & Henry Lennard

افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین خود، به آن می‌پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان‌هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. اما با آن‌ها که همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، در عین حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (سرکیسیان و مارکوس^۲، ۱۹۸۶: ۱۸). عناصر تجمع‌پذیر بر تعاملات اجتماعی نقش دارند که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. پیاده‌روها (معايير کم عرض): فضاهای شهری پیاده‌مدار، مکان‌هایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند که پرداختن به کیفیات آن‌ها سرزندگیشان را به حداکثر می‌رساند.
۲. نشانه‌های شهری: نمادها با استقرار در شهرک‌هاف سیمای بخش‌های مختلف را متمایز ساخته و با توجه با شاخص-بودنشان باعث جذب و تجمع ساکنین، و در نهایت برقراری تعامل بین ساکنین می‌شود. مناره‌ها، مساجد، وجود یک درخت شاخص، المان‌های شهری و غیره، نمونه‌هایی از این نشانه‌های شهری می‌باشند.
۳. هویت مکانی: مردم به واحدهای فضایی هویت‌دار نیاز دارند تا به آن احساس تعلق کنند. احساس تعلق در معنای هویت نهفته است.

در دهه هفتاد قرن بیست (۱۹۶۰) در آمریکا مخالفت‌های شخصی «جین جیکبز» با دیدگاه‌های لوکوربوزیه بر علیه جنبش برنامه‌ریزی مدرنیست شکل گرفت. هدف او توجه بیشتر به خیابان‌ها و نشان دادن جایگاه آن‌ها بود و به این موضوع اشاره می‌کرد که خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن‌ها عناصر اصلی و عمومی شهر هستند و از ارگان‌های حیاتی در شهر هستند (جیکبز، ۱۳۸۶، ۲۹). در واقع، نقش اصلی طراحان کمک نمودن به برقراری این ارتباطات و انجام راحت‌تر اتفاقاتی است که در فضا جریان دارد. قلمروهای عمومی یا نیمه عمومی در صورتی خوشایند هستند که استراحت و آسایش را تأمین کنند. مسائلی چون فرهنگ و عادات اجتماعی نیز بر الگوهای تعامل افراد اثرگذار است. علاوه بر آن جزئیات طراحی و بالاتر از همه شیوه زندگی ساکنان، تراکم و نیاز به کمک‌های متقابل را نیز جزء این عوامل می‌داند. حفظ تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی افراد در برقراری روابط اجتماعی میان افراد مهم است و اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان‌تر می‌شود. نیاز اساسی امنیت از ضروریات طراحی فضاهای عمومی است و به طرق مختلف باید به آن پاسخ داده شود. ویلیام وایت از جمله نخستین کسانی است که تحقیقات وسیعی در زمینه نحوه استفاده از عرصه‌های عمومی انجام داده است. او معتقد است حیات اجتماعی در عرصه‌های عمومی با کیفیت زندگی افراد و اجتماع رابطه تنگاتنگی دارد و می‌گوید: «ما برای خلق مکان‌های کالبدی که مشارکت و تعاملات اجتماعی را تسهیل نمایند دارای مسئولیت اخلاقی هستیم»

^۲ Sarkissian & Marcus

(وایت، ۱۹۸۰؛ قلمبر دزفولی و نقی زاده، ۱۳۹۳: ۱۸). جان لنگ، معمار و طراح شهری، از جمله کسانی است که در تحقیقات خود به موضوع الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته شده پرداخته است. او این مسئله را از آن جهت حائز اهمیت می‌داند که «تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته شده رابطه تنگاتنگی دارد» (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۷۹). با این تفاسیر با توجه به نقش وافر که فضا یا محیط‌های شهری در افزایش تعامل انسانی دارد، برای بهبود این تعامل نیاز به دقت و برنامه‌ریزی صحیح است.

۲. معیارهای اجتماعی مؤثر در ارزیابی طراحی

از نظر اجتماعی، توسعه‌ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته را ایجاد کند و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ترمیم شود (کاظمی، شکوهی، ۲۰۰۶: ۲۲). در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهایی چون هویت، سرزندگی، تنوع و گوناگونی اجتماعی، امنیت، آسایش و آرامش و عدالت اجتماعی قابل بررسی است:

۱. هویت: در حیطه تخصص شهرسازی، مارکولالی^۳ جنبه خاصی از هویت مکانی را تعریف کرده و آن را برای انسان شهرنشین هویت شهری نامیده است. به عقیده او، هویت شهری اصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست.

۲. سرزندگی: با توجه به تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری، فضایی سرزنده است که پر جنب و جوش، پر از رویداد، دارای زندگی و شور و هیجان و پاسخگوی توقعات ذهنی شهروندان باشد (پاکزاد، ۲۰۰۵: ۵۲).

۳. تنوع و گوناگونی اجتماعی: اصل تنوع را می‌توان در قالب اصول و معیارهای کارایی، سرزندگی و پایداری در نظر گرفت. با رعایت این اصل، شرایط کالبدی و فضایی به گونه‌ای خواهد بود که قرارگرفتن در راستای نیازهای جدید، از جامعیت برخوردار بوده و نیازهای متنوع را پاسخگو باشد (ویلر^۴، ۲۰۰۴: ۱۹۹).

۴. امنیت: تقویت پایداری یک فضای شهری زمانی مقدور می‌شود که آن فضا از ناامنی‌های اجتماعی و تهدیدهای محیطی به دور باشد.

۵. آسایش و آرامش: آسایش و آرامش از بارزترین توقعاتی است که از یک فضای شهری انتظار می‌رود. برای ایجاد آرامش در یک فضا، به عوامل کالبدی از یک طرف و عوامل کارکردی-فعالیتی از طرف دیگر در کنار رفتارهای جاری در فضا باید توجه شود (پاکزاد، ۲۰۰۵: ۷۲).

۶. عدالت اجتماعی: وجود عدالت اجتماعی را می‌توان در تعیین نوع کاربری اراضی و منطقه‌بندی در شهر، خدمات‌رسانی به اقشار پایین اجتماعی، نظام مدیریتی، احساس شهروندی، جوامع همگن و همبسته، رعایت برابری و مساوات در تخصیص منابع و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی، تأمین نیازهای اساسی به غذا، سرپناه، آموزش، شغل و درآمد، توزیع منصفانه منافع توسعه در سراسر جامعه، ارتقاء فیزیکی، ذهنی و اجتماعی جمعیت، خلاقیت و توسعه توان انسانی برای کل جامعه، حفظ میراث فرهنگی و زیستی و تقویت احساس ارتباط با تاریخ و محیط زیست، ترویج

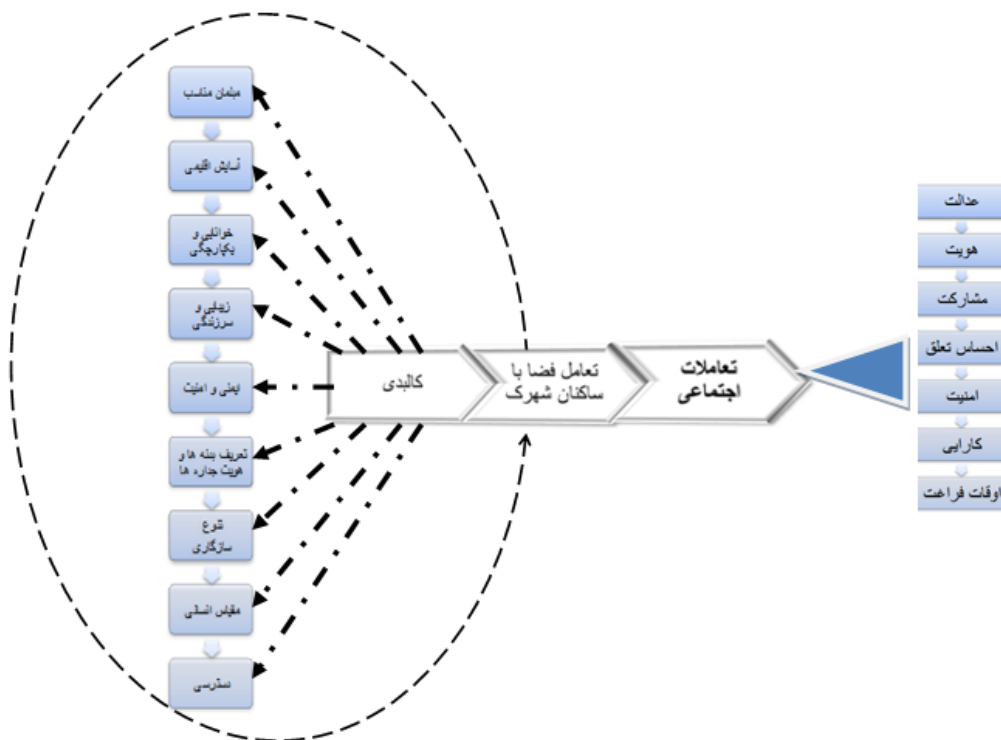
^۳ Marcolali

^۴ Wheeler

مردم سالاری و مشارکت مردمی، ارتقاء شرایط زندگی و ایجاد ارتباط بین طراحی محل‌های عمومی شهر با رفاه اجتماعی، کالبدی و شور و هیجان ساکنان شهر، وجود فضاهای تعامل اجتماعی، پیوند همسایگی، حس اعتماد و غیره دانست (خاکپور و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۹). بنابراین با ایجاد تغییرات متناسب با اقتضات زمانی و مکانی می‌توان در کیفیت الگوی تعاملات اجتماعی تأثیرگذار بود.

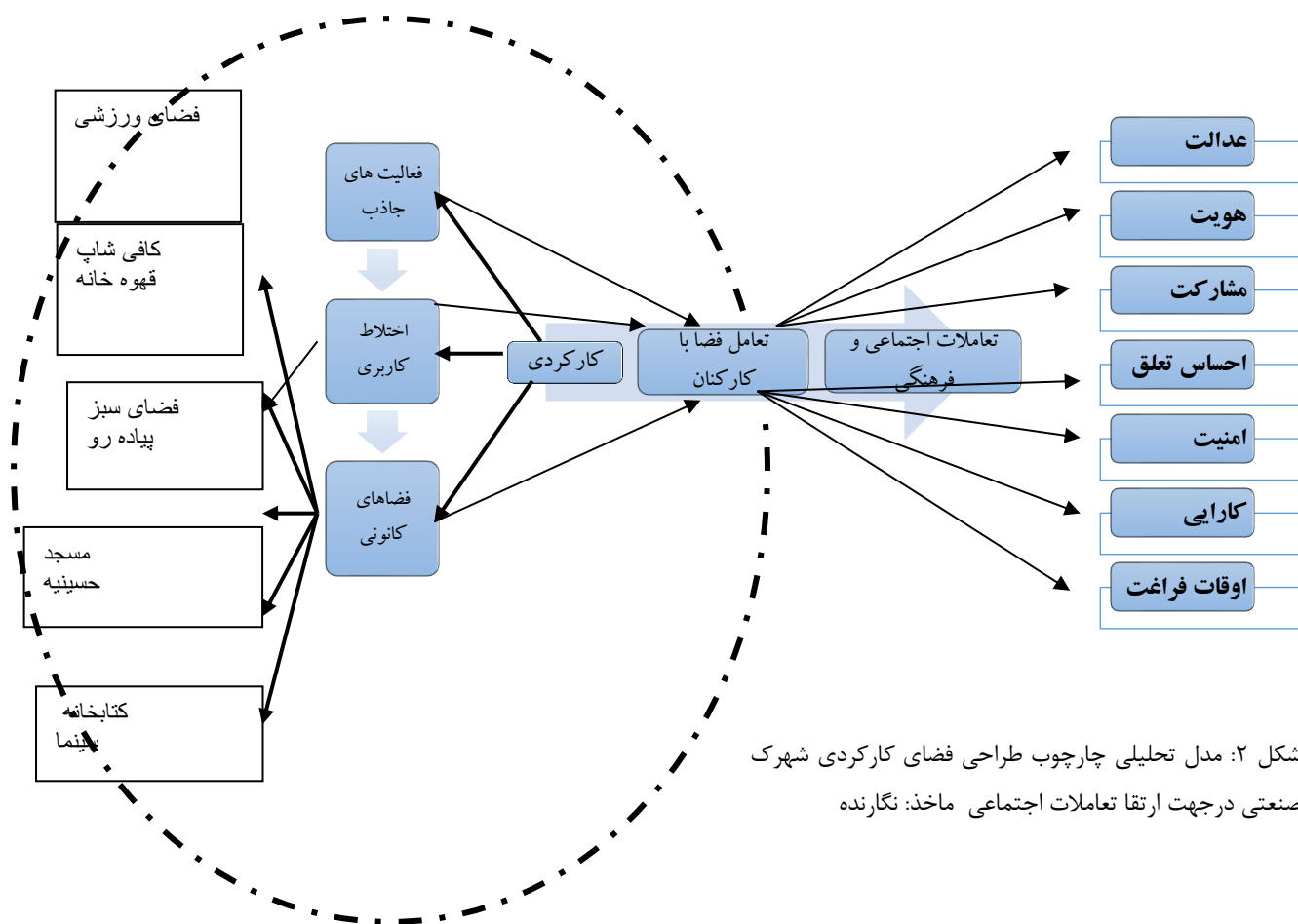
۳. چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی تهران

برای دستیابی به چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی ابتدا مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اصلی متغیر تعاملات اجتماعی و فرهنگی در معماری شهرک صنعتی ارائه شد. سپس میزان اهمیت و تأثیرگذاری آن شاخص‌ها در معماری شهرک صنعتی ارائه شد که قبلاً این مؤلفه‌ها که خود به زیرمجموعه‌های دیگری تقسیم شده و مطابق پرسشنامه ال‌ساعتی توسط خبرگان رأی داده شده بود. پس از آن با به دست آمدن اهمیت این شاخص‌ها در معماری شهرک صنعتی، مدل‌هایی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی و فرهنگی در شهرک‌های صنعتی براساس مؤلفه کالبدی و مؤلفه کارکردی تدوین و ارائه شد. باتوجه به نتایج کمی به دست آمده از پرسش‌نامه، بدون شک، نوع فضای کالبدی و فضای کارکردی و فعالیت‌های جاری در آن، تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی ساکنان و کارکنان شهرک‌های صنعتی دارد. بنابراین، نگارنده براساس جستجوهای متفاوت با ارائه‌ی چارچوبی در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی بین کارکنان و ساکنان شهرک‌های صنعتی، مدل تحلیلی شکل ۱ و ۲ را تدوین نمود که ارتقادهنده سطح فعالیت‌های گروهی و روابط اجتماعی معنادار است که بر تعاملات اجتماعی تأثیرگذار است.



شکل ۱: مدل تحلیلی چارچوب طراحی فضای کالبدی شهرک‌های صنعتی در جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی (ماخذ: نگارنده).

بنابراین مطابق یافته‌ها و تأثیر عوامل مختلف بر فضاهای عمومی شهرک‌های صنعتی می‌توان مدل زیر را تدوین نمود. عوامل کالبدی، کارکردی، اجتماعی و محیطی مؤثر بر فضاهای عمومی و مستخرج از آراء نظریه‌پردازان شامل ۱- عوامل کالبدی: مبلمان مناسب، آسایش اقلیمی، زیبایی و سرزندگی، تنوع، دسترسی، سازگاری، امنیت و ایمنی، مقیاس انسانی، خوانایی و یکپارچگی، ورودی‌ها، بدنه‌ها و جداره‌ها؛ ۲- عوامل کارکردی: فعالیت‌های جاذب، اختلاط کاربری و فضاهای کانونی مانند فضای ورزشی، کافی‌شاپ و قهوه‌خانه، فضای سبز و پیاده‌رو، مسجد و حسینیه، کتابخانه و سینما؛ ۳- عوامل اجتماعی: متناسب با نیاز ساکنان شهرک صنعتی، عدالت، وضعیت اجتماعی-جمعیتی شهرک، هویت، مشارکت، احساس تعلق، امنیت، اوقات فراغت، و کارایی ۴- عوامل محیطی: کارایی انرژی، پاکیزگی، آسایش و راحتی، جذابیت‌های طبیعی مکان و شرایط بهداشتی، تعدادی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش تعاملات اجتماعی و فرهنگی بین افراد حاضر در شهرک‌های صنعتی هستند. بدین ترتیب، هر چه فضاهای کالبدی و کارکردی شهرک‌های صنعتی از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی، در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره بیشتر فراهم می‌شود. بنابراین، فضاهای تعامل پذیر در شهرک‌های صنعتی، مانند چای‌خانه، ایستگاه ورزشی، مسجد و ... در نتیجه فعالیت‌های اجباری و انتخابی، ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد ویژگی سرزندگی و حیات مدنی نیز می‌شود.



شکل ۲: مدل تحلیلی چارچوب طراحی فضای کارکردی شهرک صنعتی در جهت ارتقا تعاملات اجتماعی ماخذ: نگارنده

بدین گونه کیفیت محیط کالبدی شهرک‌های صنعتی برای جذب افراد، وابسته به وجود فاکتورهایی است که تحقق هر یک از آن‌ها نیز در گرو عوامل متعددی است که بخشی از این عوامل به ساختار کالبدی محیط مثل تنوع و سازگاری کاربری‌ها، ایمنی، امنیت، تراکم و ظرفیت مناسب، آسایش اقلیمی، دسترسی، زیبایی و سرزندگی و ... و بخشی از آن به ساختار کارکردی مرتبط است. بستر کالبدی در صورت تأمین این نیازها و ویژگی کیفی مورد نظر کارکنان و ساکنان شهرک‌های صنعتی، می‌تواند نقش کلیدی جهت ایجاد محیطی سرزنده و جذاب ایفا نماید.

مطابق یافته‌های این تحقیق، از بین چهار عامل مؤثر در فضای عمومی شهرک‌های صنعتی، عامل کالبدی با به دست آوردن ۶۵/۴۴ درصد از واریانس از بین چهار عامل بیشترین تأثیر را بر ارتقای تعاملات اجتماعی و فرهنگی شهرک‌های صنعتی دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان کیفیت کالبدی بیشتر باشد و هرچه معمار در طراحی شهرک صنعتی به متغیرهای تنوع، سازگاری، مقیاس انسانی، خوانایی-یکپارچگی، ایمنی، زیبایی و سرزندگی و دسترسی توجه بیشتری نماید، موجب ارتقا تعاملات بیشتری در شهرک صنعتی می‌شود. البته، این بدان معنا نیست که عوامل دیگر در معماری فضاهای عمومی شهرک مورد بی‌توجهی قرار گیرد. مؤلفه دوم تأثیرگذار در طراحی شهرک صنعتی، عامل اجتماعی است که می‌بایست در طراحی فضای شهرک صنعتی مورد توجه قرار گیرد. اگر چه معماری فضای شهرک متناسب با نیاز اقتصادی کارکنان و ساکنان در آن ساخته می‌شود، اما می‌بایستی متغیرهای دیگری چون عدالت، وضعیت اجتماعی-جمعیتی شهرک صنعتی، هویت، مشارکت، احساس تعلق، امنیت، اوقات فراغت و کارایی نیز در طراحی شهرک مورد توجه باشد. از آن جاکه، کارکنان و ساکنان شهرک‌های صنعتی، ماشین نیستند که تنها به حرفه‌ای بپردازند و یا به عبارت دیگر، بر سر کار روند و سپس برگردند بدون آن که نیازهای روحی و روانی آن‌ها برآورده شود، بنابراین نیاز به فضاهایی جهت آرامش و گپ و گفت با دیگران و عبادت و تعمق دارند، بنابراین در طراحی معماری شهرک صنعتی باید فضاهایی جهت سالن ورزشی، مسجد و حسینیه، کافی شاپ و قهوه خانه، فضای سبز و پیاده رو و کتابخانه و ... نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا، عدم توجه به این مسئله موجب بیماری روحی و روانی و به تدریج بیماری‌های جسمی افراد و در نتیجه کاهش و رکود اقتصادی و حتی بزه در فضای شهرک خواهد شد. همچنین حتماً باید در معماری شهرک صنعتی مسائل محیطی و زیست محیطی همچون کارایی انرژی، پاکیزگی، آسایش و راحتی، جذابیت-های طبیعی مکان، شرایط محیطی و بهداشتی نیز مورد توجه باشد.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های که به عمل آمده در دو شهرک صنعتی پیشوا و عباس‌آباد، به‌ویژه ساکنان شاغل در شهرک‌های صنعتی پیشوا از کمترین امکانات، در رابطه با سالن‌های بازی، ورزشی، تفریحی، رستوران و چایخانه/قهوه‌خانه‌ها برخوردار هستند. در حالی که، فضایی پایدار و موفق است که به تمامی نیازهای جسمی، اجتماعی و معنوی کارکنان و ساکنان آن فضا پاسخی مناسب داده شود. افراد در شهرک‌های صنعتی حضور می‌یابند تا به تأمین معاش خود و خانواده بپردازند. اما، یک فرد به تنهایی و در انزوا در جهان زیست نمی‌کند؛ بلکه، نیاز به برقراری ارتباط و تعامل با هم‌نوعان،

بازی و تفریح و مانند آن‌ها، و حتی لحظه‌هایی برای تعمق و تفکر نیاز دارد تا از این رهگذر به کمال مطلوب خود دست یابد. بدین‌گونه، هرچه در طراحی و بهسازی به ویژه فضاهای کالبدی و کارکردی توجه بیشتری اعمال شود و فضاهای عمومی شهرک‌های صنعتی از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی، در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره بیشتر فراهم می‌شود. بدین‌گونه، فضاهای تعامل‌پذیر در شهرک‌های صنعتی، مانند چایخانه، ایستگاه ورزشی، مسجد و ... در نتیجه فعالیت‌های اجباری و انتخابی، ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد ویژگی سرزندگی و حیات مدنی نیز می‌شود. و بدین شکل می‌توان از طریق طراحی و بهسازی فضاهای عمومی شهرک‌های صنعتی به ارتقا تعاملات اجتماعی و فرهنگی کمک نمود. بنابراین، افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهرک‌ها و طراحی مناسب به ویژه مسیرهای رفت و آمد کارکنان و کارمندان و همچنین وجود فعالیت‌های گردهمایی و یا فضاهای کانونی جهت تجمع مانند زمین بازی و یا غذاخوری‌ها، امکان حضور افراد در فضا و لحظاتی کنار هم بودن و ایجاد تجربه‌هایی مشترک را در شهرک‌های صنعتی چند برابر می‌نماید و موجب ارتقا تعاملات اجتماعی و فرهنگی در این شهرک‌ها می‌شود.

منابع و مأخذ:

کتابها:

دیودور، سیسیلی. (۱۳۸۴). ایران و شرق باستان در کتابخانه تاریخی، ترجمه حمید بیگس و اسماعیل سنگاری، تهران: انتشارات جامی.

رجبی، پرویز. (۱۳۸۲). هزاره‌های گمشده. ج ۱، تهران: انتشارات توس.

لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین. (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر. ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مقتدر، بهرام؛ اعتصام، ایرج و متین، مهرداد. (۱۳۹۸). تدوین چارچوبی جهت ارتقای تعاملات اجتماعی در معماری شهرک‌های صنعتی نواحی روستایی، در دست چاپ.

مقالات:

ایزدی، ملیحه؛ محمدی، جمال. (۱۳۹۴). "شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیتی فضاهای فرهنگی-اجتماعی (مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان)". مطالعات برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۲، ۱۱-۳۳.

تبریزی، امید؛ مختاباد امریی، سید مصطفی و فیضی، محسن. (۱۳۹۳). "اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی". مدیریت شهری، شماره ۳۷، ۲۵۷-۲۷۱.

دانش‌پور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). "فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی". باغ نظر، شماره ۷، ۱۹-۲۸.

رحیمی‌نژاد، فرزاد؛ تیموریان، محمد و پیرمحمدی، محمد. (۱۳۹۵). "بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی". شبک، شماره ۱۱/۴ و ۱۲/۴، ۱۹۵-۲۰۱.

طهماسبی، ارسلان؛ بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی. باغ نظر، شماره ۲۵، ۱۷-۲۸.

قلمبر دزفولی، مریم؛ نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳). "طراحی فضای شهری به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی". هویت شهر، شماره ۱۷، ۱۵-۲۴.

لنارد، گروه‌رست سوزان؛ و لنارد، هنری. (۱۳۷۷). "طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی". ترجمه رسول مجتبی-پور، معماری و شهرسازی، شماره ۴۴ و ۴۵، ۸۱-۹۰.

English sources:

Cameron, G. (1961). Persepolis treasury tablets. Chicago: the University of Chicago.

Car, Stephen; Francis, Mark; Rivilin, Leanne; Stone, Andrew, Public Space.

Massachusetts: Cambridge university press.

Carr, S., & Frances, M., & Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). Public Spac.

Cambridge University press, New York.

- Garrison, M. (2002). Seal impression on the Persepolis fortification tablets, volume I: images of Heroic encounter, Oriental institute publication 117, Chicago: the university of Chicago press.
- Gehl, J. (1987). Life between buildings: using public space. Van Nostrand Reinhold, New York.
- Hallok, R. (1969). Persepolis fortification tablets. Chicago: the university of Chicago oriental institute publications.
- Imanpour, M. (2004). The Construction of Apadana of Persepolis and Susa: which one was built first?. Proceedings of the First National Congress on Iranians Studies 17-20,, 1-9.
- Kent, R. (1961). Old Persian: grammar, texts, lexicon. New Haven: American oriental society.
- Lefebvre, H. (1993). The Production of Space, translated by Donald Nicholson Smith, Oxford University Press, Oxford.
- Loftland, L. (1998). The public realm. New York: Walter de Gruyter.
- Rapoport, A. (1984). Culture and the urban order, in Agnew John Mercer and David Sopher (Eds.). the city in cultural context, Boston: Allen and Unwin.
- Wekerle, G., & Whitman, C. (1995). Safe Cities: Guidelines for Planning, Design and Management. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Whyte, W. (1980). The social life of small urban spaces. Tuxedo, Printers II Inc, Maryland.